

لاف دوقطبی! (جنگ - صلح)

دوقطبی سازی یکی از کارآمدترین ابزارها در انتخابات است. به عنوان مثال می توان به دوقطبی احزاب و جریان ها مثل جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا و همچنین روش ها و شعارها مثل فقر و توانمندی اقتصادی؛ جنگ و صلح و یا آمریکایی و غیرآمریکایی با شعار «اول، آمریکا» اشاره کرد.

در ایران نیز سیاسیون همواره تلاش کردند تا فضایی دوقطبی را در جامعه حاکم کنند. از چپ و راست و اصول گرا و اصلاح طلب گرفته تا شعارهای اجرایی در فضای معیشت و کسب و کار و جنگ و صلح.

گاهی انتخاب و شکل گیری جریان دوقطبی در شعارها و روش ها متأثر از شرایط واقعی جامعه است اما در انتخابات اخیر که سعی بر ایجاد دوقطبی جنگ و صلح است، به جرئت می توان گفت تنها حربه ای تبلیغاتی است و همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «آن مسئول اروپایی به مسئولان ما می گوید، اگر برجام نبود جنگ در ایران حتمی بود؛ دروغ محض! چرا می گویند جنگ؟ چون ذهن برود به جنگ».

بنابراین دوقطبی سازی «توافق - جنگ»، یک دوقطبی سازی دروغین با اهداف سیاسی برای خارجی ها و گروه هایی در داخل کشور است. بدین نحو که به رغم توخالی بودن ادعاهای نظامی ترامپ علیه ایران، شبکه داخلی نفوذ، بر واقعی بودن آنها تاکید و به ملت ایران تصریح خواهد کرد اگر به دنبال اجتناب و پرهیز از یک جنگ تمام عیار با دیوانه ای همچون ترامپ هستید، در انتخابات ۹۶ به گزینه ای رای بدهید که چوب در لانه زنبور نکند و به پای او نیچد! و به این شکل مخاطب را مجبور می کنند موقعیت را به شکل سیاه یا سفید ببیند تا از آن بهره انتخاباتی ببرند.

پس از تجربه فاجعه بار طبس برای آمریکا، ۲۸ سال است کشور ما در کمربندی از ناامنی قرار گرفته است اما جز در برهه ای که دولتمردان کشور ضعف در برابر دشمن نشان دادند (دولت بنی صدر)، با وجود همه تهدیدها هیچ جنگی بر ایران تحمیل نشد زیرا قدرت بازدارنده ای به نام حضور مردم و جمع ایمان و افزایش توان علمی و نظامی وجود داشته است.

این فریب تکراری که بارها در تاریخ تکرار شده و بدترین نمونه آن را در زمان قیام ابا عبدالله و فریب خوردن کوفیان از سپاه خیالی شام دیده ایم، نباید انتخاب ما را دچار اشتباه کند که هدف اصلی تحمیل همین اشتباه در تصمیم گیری است. رای ما باید براساس واقعیت های جامعه و عملکرد نامزدهای حاضر در انتخابات باشد.

تغییر به نفع مردم



سیدمجتبی امامی

تغییر به نفع مردم

مادر و فرزندان شهید را سوزاند. به او رای نخواهم داد، چون با شعار تحول خواهی و با توهم مزمن اعتماد به غرب باهوش و مودب، واقعیت اقتصاد مقاومتی، ظرفیت درونی و معیشت مردم را فراموش کرد و سعادت مردم، پیشرفت کشور در علم و فرهنگ را به تصمیمات غرب گره زد.

به او رای نخواهم داد، چون در چهار سال گذشته، با محرمانه و امنیتی کردن تمام قراردادهای، مذاکرات، مصوبه ها و هر آنچه به سرنوشت معیشت مردم و استقلال کشور گره خورده بود، تبعیض را در جامعه نهادینه کرد و با بی خبر گذاشتن مردم و نجبگان جامعه از وضعیت کشور، سعی کرد چنین القاء کند که جنگی در راه بود و کبوتر صلحی که بر دوش این دولت نشسته مانع چکاندن ماشه توسط دشمن است. جنگی که نه بوده و به برکت اقتدار نظام اسلامی، نخواهد بود.

بازگشت به گذشته، تکرار دوباره وضعیت کنونی و برده ی مصرف محصولات کشورهای دیگر مانند، فرصت گام های بلندتر را به سوی آینده ای روشن برای فرزندانمان باقی نخواهد گذاشت.

در حالی هر روز شاهد مرگ تدریجی تولید و ساختارهای اقتصادی هستیم، کارگران معدن و کارگران ارج و داروگر و پلاسکو زیر آوار بی تدبیری، وعده ها و قول های ۱۰۰ روزه جان می دهند، دو رکن دولت یازدهم، بیانیه می خوانند، لبخند می زنند و برای رسیدن به ریاست جمهوری دوازدهم، به راه هایی غیر از پاسخگویی، صداقت و صندوق رای فکر می کنند.

من به روحانی رای نمی دهم! چون در حالی که مردم ایران، در هر قشر و قومی، هر روز مانند کارگران مظلوم معدن یورت آزادشهر، سنگینی آوار رکود، گرانی، تبعیض و ولنگاری اقتصادی کشور را حس می کنند، دولت برای کسب مجدد رای، با عوام فریبی مشکلات کشور را به دولت قبل، کنسرت و صوت رنماء فلان خواننده ربط می دهد.

به روحانی رای نمی دهم! چون خاکی که قرار بود در آن بذر امید و تدبیر بروید، شوره زاری شد که زخم دل مردم فقیر،

از معنا و مفهوم تنش زدایی تا تعامل با دیگران، فرسخ ها فاصله است. یکی نشانه عیب و کاستی و دیگری نشانه فرهنگ و شعور درونی انسان است. آنکه با شعار تنش زدایی به دیگران لبخند می زند، خود را در نقطه ضعف یک رابطه قرار داده است و آنکه نیاز خود و جامعه را تعامل با دیگران می داند، در عین عزت، رابطه را گسترش می دهد.

با این تعاریف آیا ایران نیاز به دولتی دارد که با دنیا تنش زدایی کند و یا با استفاده، انتفاع و بهره وری از استعدادها، ظرفیت های داخلی و مردم کشورش، با جهان تعامل داشته باشد؟

در دورانی که واردات لوازم آرایشی به کشور شده است و با ورود ۴۶۰۰ تن کود حیوانی بزرگترین وارد کننده کود در جهان شده ایم، در زمانی که بیش از ۸ هزار نفر جوان بیکار شده اند و وقتی ۶۰ درصد کارخانه های تولیدی در کساد بازار و به دلیل رکود تعطیل شده اند، دولت یازدهم با وارد کردن کالاهایی مانند «چوب کبریت» ۱۳۸ هزار میلیارد تومان به جیب اقتصاد و کارگران چینی می ریزد.

رقابت به چه قیمتی؟



*براساس قانون، بعد از مقام ولایت که در راس هرم نظامی اسلامی است، نفر دوم کشور رئیس‌جمهور است و او مسئول اجرای قانون اساسی است.

*جناب آقای روحانی امروز دو حیثیت دارد، یک حیثیت این که یکی از شش نفر کاندیدای ریاست جمهوری است، اما یک حیثیت دیگر ایشان دارد که رئیس‌جمهور اسلامی ایران است.

*در روزهای اخیر آقای روحانی در نطق‌های انتخاباتی و سفرهای استانی، مطالبی بر زبان جاری می‌کند که مایه نگرانی، تعجب و سوال می‌شود. تعبیری بر لسان ایشان جاری می‌شود که این تعبیر از زبان دومین شخص رسمی کشور مایه تعجب و نگرانی است.

*ما از اول انقلاب اسلامی با یک سری اتهامات بزرگ از سوی نظام سلطه مواجه بودیم. مثلاً اگر قاتلی را با حکم دستگاه قضایی اعدام کردیم گفتند حقوق بشر نقض شده است، اگر قاچاقچی مواد مخدر را دستگاه قضایی حکم به اعدام کرده است گفتند حقوق بشر نقض شده، اگر حقوق و حدود اسلامی را اجرا کردیم دشمنان ما را به نقض حقوق بشر متهم کردند.

این‌ها برای ما آشناست، غریب نیست. اما این که در بیانات رئیس‌جمهور اسلامی ایران عین بعضی از این تعبیر تکرار شود علامت سوال است. این که رئیس‌جمهور اسلامی ایران در جایگاه نطق تبلیغاتی، رقابت خودش را که شورای نگهبان آن‌ها را تایید کرده، کسانی که ۳۸ سال است دارند مردم را اعدام و زندان می‌کنند لقب بدهد، این برای ما جای سوال است.

*ما نمی‌دانیم منظور رئیس‌جمهور از بیان کلماتی که دقیقاً مشابه تریبون‌های نظام سلطه است چیست؟ این حرف‌ها اتهامات نظام سلطه به ماست. آیا واقعاً کسی در این کشور، در انقلاب اسلامی خواسته پیاده‌روها را دیوارکشی کند؟ هیچ عقل سلیمی این را می‌پذیرد؟ آیا واقعاً نظام اسلامی، جامعه اسلامی ما در معرض خطر دیوارکشی پیاده‌روهاست؟

شما مراجعه کنید به مصاحبه خبرنگاران خارجی با امام قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، همین اتهامات در حرف‌های آن‌ها وجود دارد: راست است که شما تمدن را

قبول ندارید؟ راست است که شما ماشین استفاده نخواهید کرد؟ راست است که شما زن‌ها را خانه‌نشین خواهید کرد؟ این‌ها در سوالاتشان است.

*اگر یک روزی یک کسی، یک مودی، یک کار افراطی کرده، از این آدم‌ها در همه جریان‌های سیاسی کشور موجود است. در جمع دوستان آقای رئیس‌جمهور هم کسانی از همین تندروهای اول انقلاب هست، اما آیا این سیاست نظام جمهوری اسلامی بوده؟

*این که به مردم بگویند اگر رقابتی من رئیس‌جمهور بشوند دوباره زندان‌ها، دوباره فشارها، دوباره بگیر و ببندها شروع خواهد شد، واقعاً این طور است؟ آیا در جمهوری اسلامی چنین اتفاقاتی است که فقط آقای روحانی از آن باخبرند؟

*ایشان روحانی است، مسئله شرعی می‌داند، فقه و اصول خوانده. سوال ما از آقای روحانی در جایگاه ریاست‌جمهوری این است که این حرف‌ها چه کسانی را خوشحال و چه کسانی را نگران می‌کند؟ آیا این حرف‌ها تقویت دوستان است؟ تقویت جمهوری اسلامی است؟ یا امروز به دست مایه حملات نظام سلطه تبدیل شده است؟ که بگویند ببینید! آنچه که ما ۳۷ سال پیش در مورد جمهوری اسلامی ایران می‌گفتیم امروز در بیان رئیس‌جمهورشان گفته می‌شود.

*این مطلب مایه تعجب و تحیر است که چرا آقای روحانی این چنین عمل می‌کند؟ رقابت به چه قیمتی؟ به چه بهایی؟ تا چه مرحله‌ای؟ آقای رئیس‌جمهور برای دوره بعد چنانچه رای آوردند و چنانچه رای نیاوردند در هر دو حال در کارنامه خودشان نمره منفی ثبت کردند.

*به قول ما طلبه‌ها جای یک حاشیه است که اگر جمهوری اسلامی در این ۳۷ سال این کارها را می‌کرده، خب شخص شما هم در آن شریکید! در طی این سال‌ها جزو مسئولان نظام اسلامی بودید. شما که از بیرون نیامدید. شما که از سال‌های اول انقلاب اسلامی جزو مدیران نظام اسلامی بودید. چرا این کارها را کردید؟ این ادبیات که روند رو به سرعتی هم دارد نگران‌کننده است.

۲۲ اردیبهشت ۹۶ - اهواز
مسجد صاحب الزمان

سال ۱۴۳۰

مبارزه خاموش با اسلام



در آستانه انتخابات ۹۶ عده‌ای به دنبال تظهير چهره دولت تدبیر و امید هستند. اما این دولت همانند یک کیسه پر از آب با سوراخ‌های متعدد است که از هر طرف جلوی سوراخی را بگیرند از اطراف دیگر آب از آن میریزد. یکی دیگر از استاد فاجعه باری که این دولت به شکل مخفیانه تن به امضا و اجرای آن داده است مصوبه‌ای تحت عنوان ۲۰۳۰ است.

این سند که اخیراً مورد انتقاد صریح رهبری در جمع معلمان نیز قرار گرفت یک سند چند صد صفحه‌ای است که بندهای متعددی دارد و اهم مفاد آن بدین قرار است:

*آموزش مسائل جنسی از سن چهارسالگی برای همه الزامی است که هر گروه سنی مطالب خود را دارد و والدین حق دخالت در آموزش ندارند. در سن چهار تا شش سال باید آموزش حقوق جنسی به صورت ریز و کامل و با احترام به هنجارهای متفاوت جنسی افراد صورت پذیرد.

*مدارس و خانواده‌ها باید از طرف مراجع بین‌المللی مثل هلال احمر نظارت شوند و حق عدم رعایت آن را ندارند.

*معلمین تنها در تربیت معلم آموزش ببینند، آن هم طبق مطالب مجامع بین‌المللی و خارجی نه اسلامی ایرانی. کشورها فقط از طریق همین تربیت معلم باید معلم بگیرند نه از دانشگاه‌های دیگر و با آموزشهای بومی.

*مدارس و دانشگاه‌ها در کتب درسی حق طرح مطالب مرتبط با هر دین بخصوص اسلام، فرهنگ جهاد در راه حق، ایثار و شهادت طلبی منطبق بر نص

صریح آیات شریفه قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) را ندارند (حذف درس شهید فهمیده و سایر دروس اسلامی - انقلابی حتی در بخش تاریخ) و این از حقوق کودک نیست اما ملزم به آموزش کامل مسائل جنسی به کودکان ۴ سال به بالا هستند.

*در این سند و سند مکمل آن یعنی سند who گفته شده باید از خانواده حمایت شود. در توضیح خانواده آمده است: زن و مرد و فرزند، زن و زن و فرزند، مرد و مرد و فرزند. یعنی باید روسپی‌گری و همجنس‌بازی به رسمیت شناخته شوند.

پذیرش بی سر و صدای الگوی تربیتی نهادی غربی و اجرایی کردن فوری آن و به فراموشی سپردن اسناد بالادستی که در این زمینه وجود دارد و اجرای غیرقانونی آن بدون اینکه به تصویب مجلس برسد یعنی بدعت در ساختار اجرایی کشور و دیکتاتوری در اجرای خواسته‌های خود. حال اگر این روش با اجرای بی چون و چرای خواسته غربی‌ها همراه شود معنایش می‌شود گشودن دروازه نفوذ و اضمحلال تمام ساختارهای سیاسی ایران.

بعلاوه در سند آمده کشورها حق اجرایی نکردن همه یا برخی مفاد سند را ندارند. پس اگر بعد از امضا این سند را کنار بگذاریم یا قرارداد را عملی نکنیم، در نهادهای حقوق بشری محکوم خواهیم شد و بهانه جدید برای فشار بر کشور و مردم فراهم خواهد شد و متأسفانه شاهد تصویب تحریم‌های حقوق بشری جدید از طرف آنها بر ملت مظلوم ایران خواهیم بود.

خاکبان افلاکی

سلام ۱۱۰

دلیلی ندارد رجایی با کفش روی موکت راه برود

پس از انتقال نخست‌وزیری از ساختمان وزارت آموزش و پرورش به خیابان پاستور، موکت اتاق آقای رجایی خیلی کهنه و مندرس و پاره بود. یکی از دوستان وقتی این وضعیت را مشاهده کرد، موکت نو سفارش داد و موکت کهنه را با موکت نو جایگزین کردند.

روز بعد، وقتی آقای رجایی به دفترش آمد و چشمش به موکت نو افتاد، پرسید: «این موکت عوض شده است؟»

گفتم: «بله». پرسید: «چه کسی این کار را کرده است؟» گفتم: «فلانی.»

تا اسم ایشان را شنید، گفت: «پول این موکت را از حقوق او کم کنید. دلیلی ندارد رجایی که کف سیمانی زندان می‌خوابیده است، با کفش روی چنین موکت تازه‌ای راه برود!»

شما هیچ از این قدرتهای بزرگ ترسید که شما در پناه خدا هستید و همه قدرتها در مقابل قدرت خدای تبارک و تعالی فانی هستند. چنانچه گفته می شود که دولت آمریکا میخواهد نظامی بیاورد و این مملکت را به خاک و خون بکشد، باور نکنید اولاً و ثانیاً اگر بیاید، سزای خودش را خواهد دید. ما از محاصره اقتصادی و محاصره نظامی و دخالتهای نظامی ابرقدرتها نمی ترسیم. فرضاً که آنها وارد بشوند در اینجا، ما با قدرت در مقابلشان ایستادگی می کنیم، و سایر ملتهای اسلامی هم در مقابلشان هستند. با قدرت، ما باید به پیش برویم، تا اینکه احکام اسلام را در مملکتمان بلکه در منطقه، بلکه در دنیا پیاده کنیم.

روزنامه کیهان ۵۹/۲/۲۸



آیا وعده ایجاد درآمد سرشار اجرایی شد؟



من اینها را می شناسم!



باران زعیمی

اقتصاد

میلیارد دلار در سال خرید غیراولویت دار هواپیماهای مرجوعی به نام نو که موجب ایجاد بدهی ۵۰ میلیارد دلاری برای کشور شد.

تعارض برخی پروژهها با سیاستهای کلان اقتصادی مانند مستثنی نمودن خارجیها از قیمت گذاری!

تحریف مفاهیم اقتصاد مقاومتی به عنوان مثال زنگنه می گوید: اقتصاد مقاومتی از راه صادرات بیشتر نفت و گاز به جهان محقق میشود (۱/۹۳)

معطل گذاشتن ظرفیت های تولیدی به امید مذاکرات و سرمایه گذاری خارجی واگذاری فعالیت های پیمانکاری به خارجی ها با وجود توان داخلی مانند نفت و گاز، کترینگ قطارها و اداره بندر چابهار و...

ایجاد الگوی جدید قراردادهای خارجی و و افزایش وابستگی به غربی ها مانند قراردادهای نفتی، خودرو، راه آهن و ..

پرداخت وام های میلیاردی و حقوق های نجومی بالای ۲۰ میلیون به تعدادی معدود

القاء فرهنگ ما نمی توانیم (آبگوشت بزباش - بی ظرفیتی در المپیک - تحریب با یک بمب! و ...)

تخریب ساختارهای کلان کشور به نفع اشراف و فقیرتر شدن توده مردم ارجاع همه مشکلات به دولت قبل در طول چهارسال سکانداری دولت.

اکنون یک انتخاب پیش روی ماست تا آنچه را که در زندگی خود با تمام وجود درک کرده ایم مبنای ترسیم آینده قرار دهیم. اتفاقاتی که در

سالهای بعد خواهد افتاد ناشی از نوع انتخاب ما بوده و در ایجاد آن شریک خواهیم بود و تضعیف یا افزایش قدرت کشور وابسته به آراء ماست. امید که با بهترین انتخاب، مسیر

تعالی میهن اسلامی خویش را در پی بگیریم.

کسب نرخ تورم رسمی تا حدود درصد و نرخ تورم خانوار ۲۵ درصدی. از جمله علل کاهش نرخ



تورم رسمی، تداوم رکود و کاهش قدرت خرید مردم است.

افزایش ضریب جینی از ۳۶ درصد به ۳۹ درصد و تشدید شکاف طبقاتی تعطیلی بیش از هفده هزار کارگاه و کارخانه تولیدی و مشهور

کاهش بودجه عمرانی و افزایش ۲.۵ درصدی بودجه جاری (بالا رفتن مخارج دولت)

افزایش واردات لوکس و کم فایده پس از برجام، از جمله افزایش ۱۰۰ درصدی واردات نوشابه و ۵۰ درصدی خودروهای لوکس.

ارائه مجوز واردات به برخی کالاهای لوکس با فرهنگ مهاجم که قبلاً ممنوع بوده است.

اعطای تعرفه ترجیحی به ترکیه که موجب افزایش شدید واردات پوشاک کیف و کفش و .. در نتیجه نابودی بسیاری از تولیدی های داخل گردید افزایش صادرات مواد خام غیرنفتی مانند خاک، مواد معدنی و ..

کاهش حداقل شصت درصدی سرمایه گذاری خارجی از ۴.۶ میلیارد دلار در سال ۹۱ (در اوج تحریم ها) به ۲.۵

فرآورده ها در سال شد. عدم امکان فروش نفت به دلار به خاطر تداوم تحریم چرخه دلار

(بخشی از پول فروش نفت همچنان بلوکه شده)

برنامه غیرعادی دولت یازدهم در مسیر مبارزه با قاچاق از جمله:

*جلوگیری از کنترل ورود و خروج کالا از ۸ درب از ۱۰ درب بندر شهید رجایی؛

*حذف تنها سیستم رهگیری کالا (شنیم، ایران کد و ...) به بهانه ارائه

سیستم جدید که الان بعد از ۴ سال هنوز چنین سیستمی ارائه نشده است.

شکایت از مقامات پیگیر برای مبارزه با قاچاق؛

*اعتقاد به اینکه: اصولاً جلوی قاچاق را چرا بگیریم؟! "آقای روحانی: اصلاً قاچاق معنا ندارد!!!"

*عدم اهتمام به موضوع شفاف سازی و مبارزه با فساد

عدم انتخاب وزرای متخصص و مناسب برای هر وزارتخانه (صنعت و معدن، کار، اطلاعات، آموزش و پرورش، نفت و ..)

افزایش نرخ بیکاری تا ۱۲.۸ درصد و از دست رفتن تعداد زیادی از فرصت های شغلی پایدار

دولت یازدهم با وعده رفع مشکلات اقتصادی در مدتی کوتاه، آغاز به کار کرد. اما اکنون در پایان عمر این دولت طبق برآوردهای کارشناسان اقتصادی، برآیند عملکرد دولت در این حوزه موجب افزایش رکود و نابسامانی در زندگی مردم شده و کشور با بحرانی مواجه شده که ادامه این روند می تواند به یک فاجعه در جنگ اقتصادی امروز منجر شود.

طبق ارزیابی کارشناسان اقتصادی شاهد بی سابقه ترین رکود تاریخ ایران هستیم که مردم را از عملکرد اقتصادی روحانی دلزد کرده است. فرشاد مومنی درباره آمارهای عجیب دولت می گوید: آمارهای ادعایی رشد اقتصادی از سوی دولت نه معتبر است و نه دارای کیفیت. جعفرزاده ایمن آبادی نیز درباره ریشه مشکلات می گوید: تمامی مشکلات کشور ناشی از عدم تولید محوری بوده و نعمتی نیز معتقد است رکود و عدم رونق اقتصادی مشکلات جدی آفریده است. در این مجال به برخی از مشکلات مهم ایجاد شده در ۴ سال حاکمیت تفکر بیرون نگر در قوه مجریه اشاره می کنیم:

افزایش زیان انباشه شبکه بانکی در این دولت تا مرز ۳۵۰ هزار میلیارد تومان و این در حالیست که کل سرمایه ثبتي شبکه بانکی ۷۰ هزار میلیارد تومان است. درواقع دولت یازدهم شبکه بانکی را در سراشیب ورشکستگی قرار داده است که یکی از دلایل آن، وام های نجومی است که به نورچشمی ها داده شد.

افزایش خام فروشی در بخش نفت و گاز و وابستگی بیشتر کشور به درآمدهای نفتی برخلاف سیاست های اقتصاد مقاومتی

تحويل کمتر نفت خام به پالایشگاه ها برای خام فروشی بیشتر که موجب کاهش حدود ۲ میلیارد لیتر تولید



خدا! چون عاشق نظام بوده‌ام، از آن ترس داشتم که افشای چهره سازشکاران، لطمه‌ای ناچیز به نظام وارد آورد. به آنها توصیه می‌کنم که به قیامت و حسابرسی‌های دقیق آن روز باور پیدا کنند تا از آن دسته‌های نباشند که قرآن درباره‌شان فرموده: «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»

وصیتم به صاحبان قدرت و نفوذ این است که به جای شعارهای مردم فریب و سیاستمداران، توصیه‌هایی را که تلفنی و شفاهی در جهت استخلاص ضدانقلاب و مترفین و حرامخواران و حرام‌اندوزان اعمال می‌دارند، با شهادت برای مردم بازگو کنند و از هر نوع توجیه برای حفظ سمت و استمرار موقعیت صدارت بپرهیزند که خودفریبی و مردم‌فریبی بالاخره به پایان رسد و سروکار با خیرالماکرین افتد.

قامت فکری مردمان

هدف تبلیغات غرب، نوع انتخاب مردم حق این مطلب را به خوبی ادا می‌کند.

در انتخابات مجلس گذشته شمال تهران با ۲۰ درصد مشارکت بیشتر در انتخابات نسبت به دوره قبل و جنوب شهر با ۱۵ درصد کاهش، نفر اول دوره قبل را حتی در جایگاه آخر نیز قرار نداد تا نشان دهد سبک زندگی بر خواسته‌های کلان مردم چگونه تاثیر می‌گذارد.

به قول داستایوفسکی «سقف آزادی، رابطه مستقیم با قامت فکری مردمان دارد؛ در جامعه‌ای که قامت تفکر و همت مردم کوتاه باشد، سقف آزادی هم به همان نسبت کوتاه می‌شود.

وقتی سقف کوتاه باشد آدم‌های بزرگ سرشان آنقدر به سقف می‌خورند که حذف می‌شوند، آدمهای کوتوله اما راحت جولان می‌دهند، مردم عوام هم برای بقا آنقدر سرشان را خم می‌کنند که کوتوله می‌شوند و سقفها پایین و پایین‌تر می‌آیند و مردم بیشتر و بیشتر قوز می‌کنند تا اینکه کمرشان خم می‌شود و دیگر نمی‌توانند قد راست کنند.»

منابع:

کتاب موفقیت، جک کنفیلد
کتاب بیچارگان، داستایوفسکی

مردم بسیاری به دنبال یک زندگی بهتر به تهران کوچ کردند و کم کم طبقات اجتماعی مختلف از حاشیه نشین، فقیر، ضعیف، متوسط، بالا و مرفه و اشرافی در آن شکل گرفت. از میدان تجریش تا میدان شهرری که بیش از ۴۰ کیلومتر است و از حکیمیه تا اکباتان که بیش از ۶۰ کیلومتر است، انواع طبقات و فرهنگها مشاهده می‌شود. این مجموعه پیچیده انسانی همواره مورد طمع بیگانگان بوده تا با تاثیر بر آن، جریان سیاسی ایران را به سمت دلخواه خویش هدایت کنند و بهترین راه خود را تغییر سبک زندگی و نوع نگرش به پدیده‌ها یافتند.

جک کنفیلد در یادداشتی با موضوع ۷ نکته برای ساخت یک زندگی بهتر، یکی از نکات مهم را این گونه بیان می‌کند: «تصمیم بگیرید که چه می‌خواهید»

پس غرب نیز روی دروازه‌های ورودی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری می‌کند. دیدن، شنیدن، فکرکردن، همه را تحت تاثیر جریان رسانه‌ای خویش قرار می‌دهد تا مثلاً آزادی را تنها به یک روسری بند کند و شرایط خوب اقتصادی را فقط به وجود یک هواپیمای گران‌قیمت وابسته کند و انسان را به یک روزمرگی برساند تا دیگر ارزش‌های والای انسانی مفهومی برای او پیدا نکند و امروزه این تغییر در نوع انتخاب سیاسی مردم ایران به خوبی مشخص است.

اعمال شده توسط غرب ابتدا صنایع هسته‌ای خود را نابود کرده و مواد غنی سازی شده را با کشتی به آمریکا فرستاد. اما موعد رفع تحریم‌های غرب و آمریکا که رسید بلافاصله بهانه‌های جدید به میان آمد. بهانه‌هایی چون خسارت لاکربی، حقوق بشر و صنایع موشکی. دقت کنیم. آیا شباهت عجیبی به برجام ما ندارد؟

اما لیبی به امید لغو تحریم‌ها برجام موشکی را هم پذیرفت. موشکهای اسکاد و گراد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر که می‌توانستند سواحل اروپایی مدیترانه هدف قرار دهند را خنثی کرد. موشک‌های بالستیک و کروز با برد بیش از ۲۰۰ کیلومتر هم سوار بر کشتی به آمریکا فرستاده شدند. حالا اروپا از شر موشکهای لیبی در امان بود و لیبی همچون شیر بی یال و دم و اشکم و دندان شده بود که حتی گریه‌ها هم بر او طمع داشتند. انقلاب‌های عربی بهانه خوبی بود که ظرف فقط چند روز لیبی آماج تهاجم فرانسه، آمریکا و حتی کشور کوچک قطر قرار گرفت. اکنون دیگر در پهنای جغرافیای جهان کشوری به نام لیبی وجود ندارد. گوشه‌ای در اختیار داعش، گوشه‌ای مخالفان دولت، گوشه‌ای در اختیار کودتاچیان و بخش کوچکی هم در اختیار گروهی به نام دولت!!

این سرنوشت کشوری است که به آمریکا اعتماد کرد نه به مردمش. اکنون در ایران و در آستانه انتخابات از برخی مسئولین، برای چند رای بیشتر، می‌شنویم که ملت را از کره شمالی شدن می‌ترسانند درحالی‌که راهی پیش پای ملت می‌گذارند که در نهایت به لیبی شدن می‌رسد. اما ان شاء الله راه اصیل و درست ملت ایران که با پشتیبانی رهبر فرزانه خواهد پیمود راه دیگری است. ملت ما با نه گفتن به فریب و انتخاب آگاهانه که همانا اعتماد به توان داخلی، اقتصاد مقاومتی، انسجام ملی و بصیرت در شناخت فتنه دشمن است از این گردنه هم عبور خواهد کرد. ما نه کره شمالی می‌شویم و نه لیبی. جمهوری اسلامی مقتدر، آزاد و بزرگ هستیم و خواهیم ماند.

این روزها جریان سازشکار در حال القای این موضوع به جامعه است که اگر به ما رای ندهید قطعاً کشور به سمت جنگ می‌رود. حال باید روی این موضوع فکر کرد که آیا سناریوی این جریان به واقع سایه جنگ را از کشور دور می‌کند یا برعکس، کشور را به سمت جنگ می‌برد؟

گفتمان جناح حاکم نشان می‌دهد آنچه قرار است در صورت انتخاب مجدد این دولت پی گرفته شود تکرار تجربه برجام در حوزه‌های دیگر است. علی‌مطهری می‌گوید: شاید با روحانی سوییچ نشویم اما کره شمالی هم نخواهیم شد. این یعنی تسری برجام به حوزه‌های دفاعی. در ایام تبلیغات انتخاباتی با واژه‌های جدید آشنا شدیم: برجام موشکی!!

آقای روحانی در مناظرات اعلام کرد که سیاست او برای دولت بعدی برداشتن تحریم‌های غیرهسته‌ای از جمله تحریم‌های موشکی است. تجربه ۴ ساله نشان داد که سیاست خارجی دولت به طورکل بر مبنای برجام است. پس ایران باید از آنچه ظاهراً برای حفظ آن مذاکره می‌کند چشم‌پوشی کند و در مقابل، وعده پوچ رفع تحریم‌ها را دریافت کند. همان مسأله‌ای که در برجام شاهد بودیم که تحریم‌های اساسی چون بانک و ایسا فقط به صورت محدود و مقطعی و برای سه ماه لغو شدند. این یعنی چماق تحریم‌ها سر جایش باقیست و اکنون نوبت به برجام موشکی رسیده است.

حال به رفتار آمریکا با یکی از کشورهایی که توافقاتی شبیه برجام داشته است نگاهی می‌اندازیم. مسیری که این روزها برجامیان پیش پای ما می‌گذارند را کشوری به نام لیبی تا انتها رفت. لیبی کشوری بود که به لحاظ صنعتی، اقتصادی، سیاسی و نظامی جایگاهی در حد رهبری در میان کشورهای عربی داشت. کشوری با حکومتی غیردموکراتیک ولی تاحدودی مردم‌پسند.

لیبی کشوری صاحب صنعت هسته‌ای در میان کشورهای خاورمیانه که از نظر صنعت موشکی نیز پیشرفته بود. این کشور علیرغم تحریم‌ها دارای امنیت نسبی سیاسی و اقتصادی بود. بعد از امضای توافقی برجام گونه جهت رفع تحریم‌های



لیبی‌زاسیون

ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی میعاد. نشریه تولیدات کاربران شبکه اجتماعی افسران

سردبیر: باران زعیمی

همکاران این شماره: سید متین امامی، میثم اسماعیلی، سلام

طراح نشان: مسعود نجابتی طراحی و صفحه‌آرایی: کریمایی حمید

سامانه پیام کوتاه: 30006132930520 | آیه‌نامه: nashrie_afsanar@mihamanmail.ir

نشانی سایت: www.afsanar.ir/profile/nashrieafsanar

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای میعاد بنویسید. ما به توانایی نسل جوان ایمان داریم.

منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست‌داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود. مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.